



بولتن پناهندگان

شماره نخست

نگاهی به وضعیت عمومی پناهجویان، پناهندگان و  
مهاجرین افغانستانی در ایران



خرداد ۱۴۰۱

سازمان دفاع از قربانیان خشونت

[www.odvv.org](http://www.odvv.org)

## مقدمه:

سازمان دفاع از قربانیان خشونت، به عنوان تشکلی غیردولتی، غیرسیاسی و غیرانتفاعی، دارای مقام مشورتی خاص با شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد است که فعالیت خود را در سال ۱۳۶۷ آغاز کرده است. این سازمان با توجه به عضویت در ائتلاف‌های بین‌المللی از جمله شورای توانبخشی بین‌المللی برای حمایت از قربانیان شکنجه و در راستای مأموریت خود همواره حمایت از تمامی اقشار جامعه را در دستور کار خود قرار داده است و بدون تبعیض و به دور از فضا سازی سیاسی اقدام به حمایت از این گروه‌ها از جمله پناهجویان، پناهندگان و مهاجرین افغانستانی نموده است. برای حصول این هدف، سازمان به صورت مستقل و همچنین در چارچوب تفاهم‌نامه‌های دوجانبه و سه جانبه پروژه‌های مختلفی را در سال‌های گذشته برای حمایت از این اقشار به سرانجام رسانده است. لذا در همین راستا، و برای آشنایی بیشتر با وضعیت این اقشار، سازمان در نظر دارد تا شرایط پناهجویان، پناهندگان و مهاجرین افغانستانی را در ایران مورد بررسی کارشناسانه قرار داده تا بتوان با تصویری کامل از وضعیت آنها حمایت بهتر و مؤثرتری را نیز برای این گروه‌ها فراهم نمود.

در شماره نخست این کتابچه تحلیلی، وضعیت کلی پناهجویان، پناهندگان و مهاجرین افغانستانی در ایران و شرایط زندگی آنها مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت و در شماره‌های دیگر به طور خاص وضعیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره آنها و زیرشاخه‌های مربوطه در این حوزه‌ها مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

## فهرست

- ۱- ورود پناهجویان افغانستانی به ایران..... ۳
- ۲- مسائل مبتلابه پناهندگان و پناهجویان افغانستانی در ایران..... ۵
  - ۱-۲ حوزه فرهنگی..... ۵
  - ۲-۲ حوزه اجتماعی..... ۶
  - ۳-۲ حوزه سیاسی..... ۷
  - ۴-۲ حوزه اقتصادی..... ۹
- ۳- پیشنهادات..... ۱۴
- ۴- جمع بندی..... ۱۷
- ۵- منابع و مآخذ..... ۲۰



## ۱- ورود پناهجویان افغانستانی به ایران

موقعیت جغرافیایی افغانستان به گونه‌ای بوده که این کشور همواره درگیر جنگ، تحولات سیاسی و عدم امنیت بوده است. این مسئله در سالیان متوالی آوارگی میلیون‌ها نفر از اتباع این کشور به کشورهای دیگر بالاخص ایران و پاکستان را به دنبال داشته است. رویداد انقلاب اسلامی ایران و اتخاذ سیاست درهای باز و قوانین تسهیل کننده باعث شده است که امروزه جمهوری اسلامی ایران به عنوان چهارمین کشور پناهنده‌پذیر جهان و اولین کشوری که طولانی مدت‌ترین زمان میزبانی از پناهندگان را به خود اختصاص داده است، شناخته شود. عدم بهبود قابل ملاحظه وضعیت امنیتی، سیاسی و اقتصادی افغانستان و همچنین روی کار آمدن مجدد طالبان در این کشور باعث شده با گذشت سال‌ها هنوز ۷۸۰ هزار پناهنده

رسمی<sup>۱</sup> و نزدیک به پنج میلیون اتباع افغانستانی بدون مدرک در ایران ساکن باشند<sup>۲</sup>. اسکان حدود ۹۷ درصد پناهندگان افغانستانی در نقاط شهری و روستایی و تنها ۳ درصد در ۲۲ مهمانشهر از بازرترین مشخصه‌های اسکان پناهندگان افغانستانی در ایران می‌باشد.

ورود پناهجویان افغانستانی به ایران را می‌توان به دوره‌های زیر تقسیم‌بندی نمود:

- دوره اول: تجاوز شوروی به افغانستان ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸،
- دوره دوم: آغاز جنگ‌های داخلی در افغانستان از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵،
- دوره سوم: ظهور طالبان از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰،
- دوره چهارم: حمله نظامی آمریکا به افغانستان و حضور نسبتاً گسترده آمریکائیان در این کشور از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ و
- دوره پنجم: ظهور داعش در منطقه و تا حدودی دوباره قدعلم کردن طالبان از سال ۱۳۸۵ تا اواخر سال ۱۴۰۰،
- دوره ششم: خروج یکباره آمریکا از افغانستان و ظهور مجدد طالبان در افغانستان (اواخر ۱۴۰۰ به بعد). در این دوره در مقاطعی روزانه ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ پناهجو وارد ایران شدند.

طبق آمار منتشر شده توسط آژانس پناهندگان، در سال ۲۰۱۵، اکثر پناهندگان ساکن در ایران را افغانستانی‌هایی تشکیل داده‌اند که در اوایل دهه ۱۳۶۰ یعنی موج اول مهاجرت به ایران وارد شده‌اند. طبق همین گزارش بالغ بر ۷۰ درصد این

---

<sup>۱</sup> اداره امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران

<sup>۲</sup> هرچند اخیراً طرح سرشماری جامع اتباع افغانستانی بدون مدرک در ایران شروع شده و اتباع افغانستانی با شرکت در این طرح مدرک اقامتی شش ماهه دریافت می‌کنند.

جمعیت از اقوام هزاره و تاجیک می‌باشند و مابقی از سایر اقوام هستند که در سراسر ایران سکنا گزیده‌اند.<sup>۳</sup>



## ۲- مسائل مبتلابه پناهندگان و پناهجویان افغانستانی در ایران

پناهجویان و پناهندگان افغانستانی در ایران با مسائل گوناگونی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مواجه هستند که در این کتابچه تنها به بخش‌های کوچکی از آن اشاره شده و در شماره‌های آتی هر یک از این حوزه‌ها به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

### ۲-۱ حوزه فرهنگی

حضور اتباع افغانستان در حوزه فرهنگی با توجه به تنوع معنایی آن بسیار گوناگون است. امنیت فرهنگی در حقیقت مصونیت فرد و جامعه از هرگونه تعرض و تهدید

---

<sup>۳</sup> آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد در تهران - ۲۰۱۴

به آداب و رسوم، باورها و ارزش‌های آن جامعه است. با توجه به اهمیت این موضوع، همواره حفظ ارزش‌های فرهنگی در اولویت قرار گرفته است.

با توجه به اشتراکات زیاد بین فرهنگ افغانستانی با ایرانی کمتر در این حوزه چالش جدی‌ای وجود دارد. اما در مباحث ازدواج اتباع افغانستانی با ایرانی به دلیل برخی از مشکلات ثبت قانونی موجود در کشور شاهد آنیم که کودکان بدون هویت حاصل این ازدواج‌ها می‌تواند معضلات هویتی، حقوقی و اجتماعی گوناگونی ایجاد کند. از جمله این مشکلات می‌توان به صدور شناسنامه، تحصیل، اشتغال، خدمت وظیفه، اخذ گواهینامه رانندگی و ده‌ها مسئله اجتماعی دیگر اشاره کرد. هر کدام از این موضوعات در شماره‌های آتی این بولتن به صورت اختصاصی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

## ۲-۲ حوزه اجتماعی

پراکنش اتباع افغانستان در شهرها باعث ایجاد جدایی‌گزینی خاص آن در بسیاری از شهرستان‌های اطراف تهران و دیگر شهرهای بزرگ ایران شده است. همواره مهاجرت نه تنها برای جامعه میزبان بلکه به طور مضاعف برای مهاجرین مشکلات و مسایل روحی و روانی گوناگونی را به دنبال دارد. تجمع مهاجران در مناطق فقیرنشین و حاشیه شهرها غالباً به برخی مشکلات اجتماعی، بزه و نیز قاچاق مواد مخدر دامن می‌زند.

از مهمترین مشکلات در حوزه اجتماعی مربوط به گسترش حاشیه‌نشینی و نیز بهم خوردن ترکیب جمعیتی جامعه میزبان به خصوص در روستاها و مناطق با جمعیت

کم می‌باشد. اتباع افغانستان به دلیل درآمد پائین امکان زندگی در نقاط شهری را نداشته و در نتیجه غالباً در حاشیه شهرها و یا روستاهای نزدیک به شهرها، مناطقی که از امکانات کامل شهری برخوردار نیست، ساکن می‌شوند. در نتیجه، تراکم جمعیت در این مناطق بالاتر رفته، وضعیت بهداشتی-درمانی تنزل می‌یابد، مشاغل کاذب زیاده‌تر می‌شود و نتیجتاً بزه و اعمال خلاف قانون نیز گسترش پیدا می‌کند.

### ۲-۳ حوزه سیاسی

ایران در طول دوران مختلف و با وجود بحران‌های گوناگونی که در افغانستان بوجود آمده، از تجاوزات اتحاد جماهیر شوروی سابق تا روی کارآمدن دوباره طالبان، پذیرای خیل عظیمی از اتباع این کشور بوده است. این بدین معنی است که یک تقارن زمانی معناداری بین بحران در افغانستان و افزایش حجم مهاجرت مدام وجود داشته است. بنابراین در هر برهه‌ای مهاجران حامل میزانی از بحران سیاسی بوده و بدین صورت در گسترش بحران نقش انتقال‌دهنده را ایفا نموده‌اند. یکی از مهمترین این بحران‌ها که در مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران به ویژه در دوران بعد از انقلاب اسلامی را منجر شده است ناشی از روی کار آمدن طالبان، شکست آنها و تداوم حضور و بروز آنها در صحنه سیاسی افغانستان بوده است. از این رو سیر مهاجرت افغانستانی‌ها به ویژه به ایران منتج از این مسئله بوده است. از سوی دیگر، تغییر رویکرد جمهوری اسلامی ایران از درهای باز به ایجاد محدودیت در مورد مهاجران افغانستانی در این حوزه و نیز اسکان مجدد محدود اتباع افغانستان به دیگر کشورها نه تنها کارا نبوده بلکه باعث گسترش شبکه‌های قاچاق انسان و افزایش مشکلات این قشر شده که در نتیجه آمارهای مربوط به



این مهاجران غیرشفاف‌تر نیز شده است. همچنین ایدئولوژی متفاوت مهاجران و کشور میزبان می‌تواند مشکلات سیاسی را برای کشور میزبان بوجود آورد.<sup>۴</sup> از سوی دیگر یکی از مشخصه‌های اصلی مهاجران جدید ورودی به ایران و ترکیب جمعیتی آنها در سال گذشته، مهاجرت مجردی در قیاس با عزیمت خانوادگی می‌باشد. لذا این ویژگی جمعیتی، مسائل مختلف از جمله مسائل سیاسی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است.

همه تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان داخلی بر این نکته تأکید دارند که حضور غیرقانونی اتباع افغانستان در کشور می‌تواند تبعات و چالش‌های گوناگونی را به ویژه در حوزه امنیتی به دنبال داشته باشد. افزایش میزان اتباع افغانستانی غیرمجاز در کشور به دلایل مختلف از جمله عدم امکان کنترل کامل مرزها، انقضای روادید و یا عدم مراجعه برای تمدید کارت آمایش، موجب شده است که همواره اخراج اجباری اتباع افغانستان از ایران یکی از برنامه‌های ثابت باشد. بدین علت تنها از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳، تعداد پنج میلیون نفر از اتباع غیرمجاز افغانستانی ساکن در ایران از کشور اخراج شده‌اند.<sup>۵</sup> این اخراج‌ها در بیشتر موارد با نارضایتی اتباع افغانستانی همراه بوده است. در برخی موارد مردان را بدون خانواده اخراج کرده که نه تنها نارضایتی‌ها را گسترش داده بلکه اخراج‌ها نیز تأثیرگذار نبوده، چرا که به هر نحو ممکن این افراد مجدداً به صورت غیرقانونی به کشور بازگشته‌اند. این درحالیست که با وجود این اخراج‌ها هم اکنون تخمین زده می‌شود که نزدیک به

---

<sup>۴</sup> زرقانی و موسوی ۱۳۹۱: ۱۸

<sup>۵</sup> اخلاصی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۴۶

پنج میلیون تبعه افغانستان با وضعیت اقامتی متفاوت از جمله بدون مدرک در ایران ساکن باشند.

## ۴-۲ حوزه اقتصادی

در حوزه اقتصادی، علاوه بر اهمیت وجود منابع و ثروت‌های خدادادی، عدالت و توزیع عادلانه ثروت میان مردم نیز مؤلفه‌ای مهم به شمار می‌رود. با این حال و با اجرای عدالت در عرصه اقتصاد، عوامل مهم بی‌ثباتی و ناامنی به ویژه در بعد ملی که همان نارضایتی عمومی است، از بین خواهند رفت.<sup>۶</sup>

بخش اقتصاد ایران را با توجه به جمعیت اتباع افغانستان در ایران و نیاز این اتباع برای کار و کسب درآمد می‌توان به یکی از مهمترین حوزه‌های تأثیر حضور آنها در ایران برشمرد. با توجه به اینکه چندین دور برنامه بازگشت پناهندگان انجام شده است و شرایط و امکانات لازم از سوی سه طرف یعنی دولتین جمهوری اسلامی ایران، جمهوری اسلامی افغانستان و آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد برای این بازگشت فراهم شده است و همچنان این خدمات و کمک‌ها ادامه دارد، به نظر می‌رسد پناهندگان افغان ساکن ایران که حدود یک میلیون نفر می‌باشند قصد ترک کشور را ندارند. به ویژه اینکه بخش قابل توجهی از این افراد در حال حاضر بیش از سه دهه است که در ایران ساکن بوده و مسیرهای کسب درآمد را پیدا نموده‌اند. از سوی دیگر وضعیت اتباع افغانستانی، بدون مدرک یا در حال شناسایی که آمار آن هنوز به صورت شفاف اعلام نشده است نیز چندان روشن

---

<sup>۶</sup> جمشیدیان، ۱۳۸۹: ۸۸

نیست. لذا با توجه به اینکه بازگشت پناهندگان (نه غیرمجازین) همواره تحت نظارت سازمان ملل متحد به صورت داوطلبانه بوده است، پیش‌بینی می‌شود چشم انداز روشنی برای بازگشت آنها وجود نداشته باشد به ویژه اینکه بسیاری از این پناهندگان نسل دوم و سوم بوده و بسیاری از آنها حتی یکبار هم به کشور خود سفر نداشته‌اند و تمایلی نیز به بازگشت ندارند. بررسی جوانب مختلف تأثیرات حضور پناهندگان در کشور و از جمله سهم آنان در امر اقتصادی، زمینه را برای ادغام هرچه مناسب این افراد که می‌توان گفت اقلیتی را در ایران تشکیل خواهند داد، فراهم خواهد آورد. موضوعی که هنوز دولت ایران در خصوص کم و کیف آن تصمیمی اتخاذ نکرده است.

نکته قابل تأمل در حوزه معیشت و اشتغال اتباع افغانستانی در ایران سهم جوانان شاغل نسبت به گذشته است. برخی آمار حاکی از دوبرابر شدن نیروی کار جوان افغانستانی در سال‌های گذشته است. این درحالیست که این افراد چندان تمایلی نیز به اشتغال در حوزه‌های سخت که پدران آنها فعالیت داشتند ندارد.

با نگاهی به آمار و همچنین جمعیت اتباع افغانستان و نیز پراکندگی جغرافیایی آنها می‌توان نتیجه گرفت که این پراکندگی اصلاً همگون نیست. این درحالیست که حتی در برخی از روستاها و حتی حاشیه شهرها این ناهمگونی چشمگیرتر می‌شود. از سوی دیگر، هرچند مرکز آمار ایران، طی طرح سرشماری عمومی نفوس و مسکن آمار و ارقام جالب توجهی را منتشر نموده است اما این آمار به دلایل مختلف از جمله عدم تفکیک بین اتباع افغانستانی ثبت شده و ثبت نشده یا به عبارتی مجازین و غیرمجازین ارزیابی تأثیرات حضور اتباع افغانستان بر اقتصاد ایران را با پیچیدگی‌هایی مواجه نموده است. از سوی دیگر، کمبود یا حتی فقدان

آمار و ارقام مربوط به حوزه اشتغال اتباع خارجی، سطح دستمزدها، نوع زندگی، الگوی مصرف و غیره بر پیچیدگی آن افزوده است. کما اینکه در سال‌های اخیر دولت جمهوری اسلامی ایران سعی نموده است از طریق ساماندهی کارت کار پناهندگان، این معضل را رفع نماید. با این حال با توجه به محدودیت‌های اعمالی در خصوص کار پناهندگان در ایران، که ایران دارای حق تحفظ در این حوزه نیز می‌باشد، عملاً بخش عمده‌ای از آنها در مشاغلی که در کارت کار برای آنها تعیین شده است یا قادر به کار کردن نمی‌باشند و یا تمایلی به کار در این حوزه‌ها ندارند. لذا این کارت در غالب موارد فقط به عنوان تکلیف بر استان‌ها تحمیل شده و هزینه مستقیمی را نیز به پناهندگان وارد کرده است.

دستمزد پایین، سخت‌کوشی کارگران مهاجر و پناهنده، و در بسیاری از موارد عدم استفاده این کارگران از پوشش‌های بیمه‌ای از جمله مواردی هستند که هزینه تمام شده تولیدات را پایین آورده و ریسک سرمایه‌گذاری برای کارهای تولیدی با استفاده از نیروی کار پناهندگان را پایین آورده است. تأثیر این مسئله را می‌توان در پیشرفت پروژه‌هایی از قبیل ساخت سیستم فاضلاب شهری، سدسازی و ساختمان سازی مشاهده نمود.

اما با وجود این توضیحات و تأثیراتی که شرح آن رفت، در سال‌های اخیر به ویژه رشد تورم، افزایش نرخ دلار و تحریم‌های اعمالی کشور با چالش‌های مختلفی روبرو شد که پناهندگان نیز از آن متأثر گردیدند. این مسائل حتی در مقاطعی باعث رشد بازگشت اتباع افغانستان به کشور خود شد.

با توجه به گسترش تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران، عدم شمولیت پناهندگان در طرح‌های حمایتی و کمک‌های دولتی، و همچنین دستمزد پایین آنها به نسبت

به ایرانیان وضعیت اقتصادی آنها را بیش از پیش شکننده نموده است. شاید در نگاه اول دستمزد پایین آنها به عنوان یکی از عوامل تولید محسوب گردد اما حقیقت آن است که به این مسئله به صورت صفر یا صد نمی‌توان نگاه کرد. در کشورهای پیشرفته دستمزد پائین تأثیر زیادی بر کل مخارج و در نتیجه بر قیمت تمام شده دارد ولی این مسئله به تمامی رشته‌های تولیدی در کشورهای در حال توسعه قابل تعمیم نیست. به عنوان مثال هرچند در مشاغلی از قبیل کشاورزی، آجرپزی و دامداری، دستمزد، بخش عمده‌ای از مخارج را تشکیل می‌دهد، اما در رشته‌های ساختمان‌سازی، راه و مشاغل مشابه که اغلب پناهندگان درگیر می‌باشند تأثیر دستمزد چندان قابل توجه نبوده تا قیمت تمام شده این خدمات را به صورت ملموس کاهش دهد. این تأثیر با توجه به افزایش حداقل دوبرابری قیمت‌ها به ویژه در سال‌های اخیر و ثابت ماندن نسبی دستمزدها کمتر شده است. علاوه بر این از آنجا که کارگران افغانستانی عمدتاً متصدی کارهای غیر تخصصی هستند، تأثیر این اختلاف دستمزد آنان با کارگران ایرانی باز هم کمتر می‌شود. لذا این دستمزد کم هرچند در تولید تأثیرگذار است اما با توجه به وجود خیل کارگران بیکار در کشور و نیز عدم داشتن تخصص بسیاری از پناهندگان، اشتغال آنها در شرایط کنونی نمی‌تواند آنچنان تأثیری در تولید داشته باشد. بخصوص اینکه کشور در تحریم بسر برده و بسیاری از کارخانه‌های کوچک و بزرگ از کار افتاده‌اند. از سوی دیگر به دلیل این حقوق ناچیز و نیز تورم شدید وضعیت معیشتی پناهندگان نیز شدیداً تحت تأثیر قرار گرفته است. چه بسا بیکاری و در نتیجه فقر آنها را به دنبال داشته باشد. هرچند آمار دقیقی در خصوص میزان اشتغال به کار پناهندگان در کشور وجود ندارد اما شواهد و قرائن حاکی از آن است که بیشترین سهم اشتغال اتباع افغانستان در ایران مربوط به بخش ساختمان، سپس کشاورزی و بعد

از آن خدمات عمومی و در نهایت صنعت می‌باشد. در طی سال‌های اخیر یک تغییر مثبت نسبت به افزایش فرصت‌های مختلف معیشت پناهندگان به منظور توانمندسازی آنها برای بدست آوردن یک زندگی شایسته و مشارکت مثبت در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، صورت گرفته است. با گذشت زمان به کارگرفتن پناهندگان در مهارت‌ها و فرصت‌های معیشتی آنها را پیدا کردن یک راه حل پایدار برای وضعیت خود در کشور خود و یا در دیگر کشورها (کشور محل اقامت یا کشور سوم) آماده می‌سازد.



### ۳- پیشنهادات

عوامل و دلایل مهاجرت اتباع افغانستان به ایران، همانطور که شرح آن در این "کتابچه تحلیلی" بررسی شد، متفاوت بوده است. این تفاوت‌ها، عزیمت گروه‌های مختلفی از افغانستان به ایران را سبب شده است که با دانستن آنها می‌توان برنامه‌ریزی منسجم‌تری در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را پیگیری نمود. اما فرای این عوامل، به نظر می‌رسد هنوز دولت ج.ا.ایران در مواجهه با حضور اتباع خارجی به نقطه پایداری نرسیده باشد. در خصوص حل پایدار مشکلات پناهندگان آنچه که به صورت رسمی توسط آژانس پناهندگان ارائه شده است عبارتند از: (۱) بازگشت به کشور مبدأ (۲) ادغام در کشور مقصد و (۳) اسکان مجدد (اعزام پناهندگان به کشور سوم). هرچند این سه طرح نیز با مشکلاتی مواجه و مسئولین این آژانس را برای پیشبرد بهتر آن به تأمل واداشته است اما به هر صورت در حال حاضر این سه راه سنتی، اگر به درستی اجرا شوند، می‌تواند تا حد قابل توجهی مشکلات را حل نماید؛ گرچه موفقیت آن در گرو اجرای توأمان این راه‌ها است.

از ابتدا دولت ایران ورود اتباع افغانستان به کشور را به عنوان امری موقت نگریده است. لذا بیش از همه بر بازگشت آنها به کشور خود تأکید ورزیده است. لذا از جمله دلایل شرایط کنونی و افزایش آمار مهاجرین غیرقانونی را نیز می‌توان در این سیاست جستجو کرد. اما درعین حال اسکان مجدد نیز از جمله سیاست‌هایی است که مورد تأیید و تأکید دولت می‌باشد. ولی با توجه به درخواست کم کشورهای غربی پناهنده‌پذیر، هنوز این راه حل به عنوان راه‌حلی جامع به اجرا درنیامده است و عملاً این روش باری را از روی دوش دولت ایران برنمی‌دارد. اما راه‌حل دیگر،

یعنی ادغام مجدد، که ایران چندان تمایلی به اجرای آن را ندارد، شاید بتوان به عنوان قابل اجراترین روش بر آن تأکید کرد. روشی که به نظر می‌رسد فرصت‌های ایجاد آن بیشتر از چالش‌هایش باشد. در قیاس با دو روش دیگر، ادغام مجدد تبعاتی را برای ایران به دنبال داشته و نگرانی‌هایی را نیز با خود به دنبال خواهد داشت. با این حال سالانه صدها تن به دلایل مختلف از جمله ازدواج‌های مختلط تابعیت ایرانی را کسب کرده و به عنوان شهروندان ایرانی پذیرفته می‌شوند. اما قابل درک است که در صورت گسترده‌تر شدن این برنامه با توجه به گستردگی مرز، این طرح تبعات غیرقابل پیش‌بینی‌ای را نیز به دنبال داشته باشد. به دلیل نگرانی از این تبعات است که هنوز ایران سیاستی نظام‌مند و منسجم برای مواجهه با پدیده مهاجرت نداشته است. اعطای نظام‌مند شهروندی به اتباع افغانستان، به ویژه گروه‌هایی که در ایران تحصیل نموده و توانمند شده‌اند ضمن بهره‌مندی از خدمات آنها می‌توان از هدررفت منابع مالی که صرف توانمندسازی آنها شده جلوگیری نموده و به نیروی کار نسبتاً ارزان در قیاس با شهروندان ایرانی دست یافت. همچنین این افراد ضمن پرداخت مالیات بردرآمد می‌توانند در شرایط سخت اقتصادی و تحریم کنونی دولت را یاری رسانند. دستیابی به این شرایط و نظام‌مند نمودن حضور اتباع خارجی در کشور و بهرمندی از شرایط این حضور نیازمند برنامه‌ریزی متمرکز و جامعی را می‌طلبد که این مهم بدست نمی‌آید مگر تحت نظارت سازمانی گسترده با اختیارات فراگیر که بتواند تمامی فرصت‌ها و چالش‌های این حضور را شناسایی و برای آنها برنامه‌ریزی نماید. اما با توجه به پیچیدگی وضعیت اتباع خارجی در ایران، برای برنامه‌ریزی و نظام‌مند نمودن حضور آنها می‌توان از تجربیات دیگر کشورها نیز بهره‌مند شد. به جز مسائل فوق، گذشت زمان منجر به تغییر شرایط شده و لذا باید متناسب با زمان حاضر برنامه‌ریزی کرد. در



حال حاضر، سیاست‌های آمریکا و دیگر کشورها، برنامه‌ها و سیاست‌های ایران را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. به عنوان مثال تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران از یک سو، و ایجاد شرایط حضور مجدد طالبان در همسایگی ایران از سوی دیگر همگی باعث شده است تا ایران با احتیاط بیشتری در حوزه پناهندگان برنامه‌ریزی نماید. کاهش تحریم‌های یکجانبه و غیرقانونی آمریکا علیه ایران می‌تواند آینده روشن‌تری را برای پناهندگان و پناهجویان افغانستانی در ایران به دنبال داشته باشد.



#### ۴- جمع‌بندی

در طول سالیان متوالی جنگ‌ها و نزاع‌های داخلی و خارجی، حضور قدرت‌های بزرگ و نیز رشد افراط‌گرایی در افغانستان باعث شده است که در هر برهه زمانی عده‌ای از اتباع این کشور آواره شده و به کشورهای دیگر از جمله ایران عزیمت نمایند. این شاخصه‌ها سبب شده که امروزه در جهان افغانستان به عنوان کشوری "مهاجرفرست" شهره بوده و مسئولین کشورمان و حتی اتحادیه اروپا را برای کاهش تبعات این مهاجرت‌ها به واکنش واداشته است. حضور مهاجران افغانستانی در ایران آنقدر به درازا کشیده شده است که رکورد جدیدی را در جهان ثبت نموده و ایران را نیز به عنوان کشوری که طولانی‌ترین میزبان پناهندگان خارجی بوده مطرح ساخته است. تنها در یک دوره زمانی بین سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ یعنی بعد از شکست طالبان بود که مهاجرین افغانستانی به صورت گسترده‌ای به کشور خود بازگشتند. اما بعد از یکی دو سال کم‌کم امیدهای بازگشت‌کنندگان رنگ

باخت و با توجه به عدم بازسازی چشمگیر افغانستان و نیز عدم تحقق انتظارات آنها این روند نه تنها به حداقل ممکن رسید بلکه بازگشت معکوس شکل گرفت. این امر نشان دهنده وضعیت نامناسب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی افغانستان و تفاوت فاحش آن با شرایط زندگی در ایران بود. به همین دلیل برخی از منتقدین مخالف ارائه هر نوع طرح حمایتی از پناهندگان در داخل هستند. آنها بر این باورند که هر نوع حمایت در داخل مانعی در جهت عدم بازگشت آنان به کشور خود بوده و حضورشان در کشور مشکلات امنیتی، اجتماعی و اقتصادی را گسترش می‌دهد. این مسئله در کنار سرخوردگی کسانی که به کشور خود بازگشته بودند، منجر به گسیل غیرقانونی آنها در سطح وسیع به ایران شد. این موج بازگشت‌کنندگان به ایران در سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ ادامه یافت به گونه ای که نزدیک به دو میلیون نفر به صورت غیرقانونی به کشور وارد شدند. این درحالی بود که دولت دیگر هیچ‌گونه کنترل امنیتی گسترده‌ای نمی‌توانست بر آنها داشته باشد. این مسائل باعث شد تراکم جمعیتی در برخی از نقاط به هم خورده و حتی در مواردی جمعیت اتباع افغانستان نسبت به جمعیت اتباع ایران بیشتر شود. این روند در سال ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ میلادی با حضور طالبان در صحنه گسترش بیش از پیشی نیز یافت که شرایط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اتباع افغانستان در ایران را تحت تأثیر خود قرار داده است.

در پایان می‌توان گفت که مسئله مهاجرین به صورت گسترده‌ای در تمامی مقولات اشاره شده، با فراز و فرودی غیریکنواخت، تأثیرات مختلفی را بر اتباع افغانستان در ایران گذاشته است که هر کدام به صورت جداگانه قابل بحث و بررسی خواهد بود. لذا لازم است هر کدام از این بخش‌ها به صورت جداگانه و کارشناسانه مورد

بحث و بررسی قرار گیرند تا بتوان با این کار، هم از مشکلات اتباع افغانستان در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کاست و هم دولت جمهوری اسلامی ایران بتواند برنامه‌ریزی بهتری در این حوزه داشته باشد و همچنین دیگر شرکای ملی و بین‌المللی حمایت بهتری از دولت و همچنین اتباع افغانستان در ایران به عمل آورند.

## منابع و مأخذ

### کتاب و نشریات:

- اخلاصی پور، محمدحسین (۱۳۹۵). آسیب شناسی حضور اتباع بیگانه در استان کرمان و تأثیرات آن بر امنیت، فصل نامه علمی- تخصصی دانش انتظامی، سال ۷، شماره ۱۵، ص ۱۵۶-۱۳۵
- جمشیدیان، هادی (۱۳۸۹). تبیین نظریه امنیتی امام خامنه‌ای. رساله دکتری رشته امنیت ملی، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه دفاع عالی
- زرقانی، هادی؛ موسوی زهرا (۱۳۹۱)، مهاجرت بین‌المللی و امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال شانزدهم، شماره ۱
- اتباع افغانستان در ایران، روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۰۹/۱۷
- استان‌های ممنوعه برای اسکان اتباع افغانستان، خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵/۰۲/۲۵
- افزایش دوبرابری حضور اتباع خارجی در بازار کار ایران، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۶/۰۹/۲۰
- کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان (۲۰۱۴م). حمایت از افراد بی‌تابعیت در چارچوب کنوانسیون ۱۹۵۴ مربوط به وضعیت افراد بی‌تابعیت. تهران: ترجمه کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، تهران
- کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان (۲۰۱۷ب). راه حل‌های راهبردی برای پناهندگان افغان، تهران: کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان

### درگاه‌های الکترونیکی:

- اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران، دفتر-امور اتباع-ومهاجرین-خارجی/۲۹۳۹۲/?/https://moi.ir/portal/home/
- کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، مستقر در جمهوری اسلامی ایران <https://www.unhcr.org/ir/fa/>

- نگاهی متفاوت به زندگی مهاجران افغان در ایران، وب سایت جام جم سرا،

۱۳۹۲/۱۲/۱۱

<http://jamejamonline.ir/sara/۱۴۰۲۷۷۱۹۸۱۱۳۰۳۹۱۹۰۱>

- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون کنوانسیون مربوط به وضع

پناهندگان و پروتکل آن

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/۹۷۴۳>